

بررسی ریشه‌های هم‌گرایی بین اهل کتاب با سایر ایرانیان در دفاع مقدس

محمد منصورنژاد*

E-mail: M_Mansoornejad@yahoo.com

چکیده:

با توجه به تلاش‌های بر طرح شکاف‌های قومی و مذهبی در ایران، نوشتار حاضر در جست‌وجوی ریشه‌های هم‌گرایی بین اهل‌کتاب با سایر ایرانیان در دفاع‌مقدس است. ضمن طرح وفاق ملی در ایران، به ریشه‌های عمیق آن نیز اشاره دارد. در مدخل بحث، مفاهیم کلیدی چون اهل کتاب، دفاع مقدس و هم‌گرایی مورد تأمل قرار گرفته و از نوع رابطه‌ی حکومت با حقوق اقلیت‌های دینی سخن به میان آمده است و این مدعا مدلل گردیده که چون حکومت دینی ایران بر مبنای مدل مردم‌سالاری دینی است، می‌تواند حافظ حقوق اقلیت‌ها بوده و آن‌ها را به مشارکت و فداکاری برای اعتلای کشور در صحنه‌های مختلف دعوت کند.

این مقاله در بررسی اندیشه‌های هم‌گرایی پیروان اهل کتاب با سایر ایرانیان در دفاع مقدس بر دو عامل کلیدی و کلان تأکید کرده است: اول: وطن‌دوستی و عامل ایرانیت پیروان اهل کتاب و دوم: شیوه‌ی حکومت و نحوه‌ی تعامل امام خمینی(ره) با پیروان اهل کتاب که زمینه‌ی وفاق معقول ملی را فراهم می‌کرد. مدعای دوم را فراتر از حقوقی که برای اهل کتاب در تقنین جمهوری اسلامی ایران منظور گردیده است، بر مبنای هویت دینی و تعامل اهل کتاب با مسلمانان نیز می‌توان مورد ارزیابی قرار داد.

کلید واژه‌ها: اهل کتاب، دفاع مقدس، هم‌گرایی، اقلیت دینی، ایران،

وفاق ملی



۱) طرح مسأله

امروزه با گسترش وسایل ارتباط جمعی در شرایطی زندگی می‌کنیم که مسایل ایران در منظر جهانیان قرار داشته و محافل سیاسی و نهادهای حقوقی و بین‌المللی و فراملی، نه تنها بر فرایند قانون‌گذاری و اجرایی کشورمان نظارت دارند؛ بلکه تحت تأثیر نفوذ سیاسی قدرت‌های مخالف، به دنبال طرح نقاط ضعف و بزرگ‌نمایی مشکلات ایران نیز می‌باشند. از جمله مباحثی که همواره از سوی غربیان درباره‌ی ما مطرح می‌شود، مسایل مربوط به وضعیت حقوق بشر و خصوصاً حقوق اقلیت‌ها و به‌ویژه حقوق اقلیت‌های دینی در ایران است. از این منظر هر از چندگاهی سخن از تضييع حقوق اقلیت‌های دینی در ایران در رسانه‌های ارتباط جمعی انعکاس وسیع می‌یابد.

در چنین فضایی، از جمله تأملات و پژوهش‌هایی که می‌تواند قطب‌بندی ناصحیح بین مسلمان‌ها و غیرمسلمان‌ها در فضای سیاسی - اجتماعی ایران را زیر سؤال ببرد، همکاری‌ها و هم‌گرایی‌های مسلمانان و غیرمسلمانان در عرصه‌های مختلف در ذیل حکومت اسلامی است که بارزترین نماد آن تقارب و هم‌دلی بین همه‌ی ایرانیان در هشت سال دفاع مقدس در مقابل هجوم رژیم صدام و همکاران منطقه‌ای و جهانی اوست که این همبستگی نیازمند قبول هزینه‌ی سنگین و فداکاری و گذشت از جان و مال بود. با این همه، همکاری و هم‌گرایی پیروان اهل کتاب در ایران با سایر ایرانیان در جنگ، واقعیتی غیرقابل انکار است؛ اما متأسفانه تاکنون این پدیده‌ی میمون و مبارک به‌صورت جدی مورد تأمل نظری قرار نگرفته است. تمرکز تلاش حاضر با هدف تولید ادبیات برای این موضوع در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که ریشه‌های هم‌گرایی بین اهل کتاب با سایر ایرانیان در دفاع مقدس کدامند؟

۲) تأمل بر برخی مفاهیم

اول، اهل کتاب

مراد از اهل کتاب در این نوشتار، پیروان ادیان مسیحی، زرتشتی و یهودیانی هستند که ایرانی بوده و قرن‌ها در این کشور سابقه‌ی حضور، فعالیت، مشارکت و نقش‌آفرینی داشته‌اند (زرتشتیان قریب ۳۰ قرن، یهودیان حدود ۲۷ قرن و مسیحیان نزدیک به ۱۸ قرن) (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۸۳-۱۸۵؛ مشکور، ۱۳۷۲: ۲۸ و ۱۰۹) و از این‌رو در اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده‌اند:



«ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی، تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند» (۱).

و در اصل ۲۶ نیز حق تشکل برای آن‌ها منظور گردیده و به موجب ماده‌ی ۴ قانون فعالیت احزاب... یا اقلیت‌های دینی شناخته شده، مصوب ۱۳۶۰/۶/۷، انجمن اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی، تشکیلاتی مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی است که هدف آن حل مشکلات و بررسی دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه‌ی آن اقلیت باشد (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۸۵).

پیروان ادیان یادشده بیش‌تر تمایل دارند که به جای «اقلیت دینی» به‌عنوان «جامعه‌ی کلیمی»، «جامعه‌ی ارمنی و آشوری» و «جامعه‌ی زرتشتیان» بازشناسی شوند.

دوم، دفاع مقدس

«دفاع مقدس» برای این مرز و بوم اصطلاحی آشنا است و مراد از آن، مقاومت و پایداری هشت ساله‌ی ایرانیان (۱۳۵۹-۱۳۶۷) در مقابل رژیم عراق است که این مفهوم ضمناً مقطع زمانی پژوهش را نیز تعیین می‌کند و از این‌رو تمرکز اصلی بحث در بیان هم‌گرایی پیروان اهل کتاب با سایر ایرانیان، عمدتاً بر دهه‌ی ۶۰ متوقف خواهد شد و خروج از این مقطع جنبه‌ی طفیلی دارد.

سوم، هم‌گرایی

مراد از هم‌گرایی (۲) نیز معادل Integration در زبان آکادمیک و علوم اجتماعی به کار رفته است، با این توجیه که ضمن پذیرش تنوع و تکثر اقوام و ادیان و حرمت نهادن به امتیازات و ویژگی‌های خاص در یک جامعه و کشور، مجموعه‌ی گروه‌ها و ادیان و مذاهب بر روی مسایل عمده‌ای که به منافع ملی، همبستگی ملی و امنیت مربوط است، دارای غایت واحد بوده و برای رسیدن به آن مقصود، به روش‌ها و سیاست‌های واحد نیز روی می‌آورند.

به درستی گفته شده که در هر نظام اجتماعی، این نوع هم‌گرایی در صورتی میسر است که راه حلی برای مسأله‌ی یکپارچگی اعضا، مخصوصاً از طریق توزیع قدرت، اعتبار، مسؤولیت و همبستگی ارایه شود. باید چنان به توزیع نقش‌ها، کارکردها و شیوه‌های مشارکت پرداخت که افراد با اعمال خود در بطن و فاقی عمومی ادغام شوند.

باید توجه کرد که دست‌یابی به این هدف، یا از طریق تأکید بر برانگیختن صداقت افراد نسبت به نظام صورت‌پذیر است یا با اولویت بخشیدن به همبستگی بین اعضای داوطلب؛ و تحقق یکپارچگی و هم‌گرایی، همواره مستلزم حداقل مشارکت ارادی است (بیرو، ۱۳۶۶: ۱۸۳ و ۱۸۴).

به صورت مشخص و انضمامی‌تر، مراد از هم‌گرایی در این تحقیق عبارت است از:

۱- تعامل و همکاری بین ایرانیان پیرو سه دین آسمانی؛ یعنی، زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان با سایر ایرانیان در طول دفاع مقدس.

۲- این ترابط در ذیل نظام جمهوری اسلامی ایران و پذیرش قانون اساسی، به‌عنوان محور همبستگی صورت گرفته است.

۳- این همبستگی و هم‌گرایی در حد چارچوب‌های حقوقی نیز خلاصه نشده و حامل ارزش‌های اصیل، عمیق و قابل احترام بشری مثل فداکاری، ایثار، از خودگذشتگی و... بوده که بارزترین مصداق آن «بذل خون در دفاع از سرزمین ایران» است.

۳) رابطه‌ی نوع حکومت با حقوق اقلیت‌های دینی

در این قسمت از بحث، پرسش آن است که چه‌گونه پیروان سایر ادیان می‌توانستند؛ بلکه شایق بودند که در ذیل حکومت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، در دفاع از سرزمین ایران، در جنگ هشت ساله، در کنار سایر ایرانیان تا حد قابل توجهی فداکاری و ایثارگری داشته باشند؟ خصوصاً با این پیش‌فرض و تلقی از حکومت‌های دینی، که به نوعی، تمایل به تصلب و تحجرگرایی داشته و به غیر پیروان دین رسمی، اجازه‌ی فعالیت، حضور و مشارکت در عرصه‌ها را نداده‌اند و حاصل این سخت‌گیری‌ها، علی‌القاعده «انزوا و نارضایتی معتقدان به عقاید دیگر» خواهد بود (۳) (هونکه، ۱۳۷۳: ۳۶۳).

برای بررسی این پرسش، جادارد که توقف کوتاهی در موضوع داشته باشیم. در یک نگاه شاید بتوان کلیه‌ی حکومت‌ها و دولت‌های کنونی را به دو گروه «حکومت‌های سکولاریستی» و «حکومت‌های غیرسکولاریستی» دسته‌بندی نمود.

جدای از مباحث سنگین و جدی که درباره‌ی «سکولار»، «سکولاریست»، «سکولاریزاسیون» و... می‌توان داشت (طباطبائی، ۱۳۸۰: ۳۱۹-۳۲۱؛ قراملکی، ۱۳۷۹)، در این نوشتار، مراد از حکومت‌های سکولاریستی در مقایسه با دولت‌های غیرسکولاریستی آن است که اگر حکومتی ورود نظام، حقوق، ارزش‌ها و ضوابط دینی

را در حیطه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ممنوع دانسته و فراتر از قالب‌ها و گفتمان‌های دینی به تدبیر نظام سیاسی پردازد، آن حکومت سکولاریستی است و مصادیق بارز آن هم حکومت‌های موجود در غرب هستند. در این گونه حکومت‌ها، چون قیود دینی، نژادی، جنسیتی و... در تقنین و اجرا به کنار گذارده شده و بر اساس به اصطلاح «اعلامیه‌ی حقوق بشر» (علی بابایی، ۱۳۶۹: ۲۳۲-۲۴۲) به انسان و مسایل مربوط به او نگرسته می‌شود، شهروندان از آزادی‌های شناخته‌شده برخوردارند.

اما در رژیم‌های غیرسکولار، یعنی حکومت‌هایی که ضوابط و قواعد و اجرای نظامات سیاسی و اجتماعی را به دین گره می‌زنند، در قانون اساسی و عادی برای دین رسمی و پیروان آن امتیازاتی منظور می‌گردد که ناگزیر به محدودیت‌هایی برای پیروان سایر ادیان و مذاهب و فرق منجر می‌گردد.

جمهوری اسلامی ایران از جمله نظام‌های سیاسی است که در مقابل رژیم‌های سکولار قرار گرفته و در قوانین آن، «اسلام» مبنای اصلی حکومت در نظر گرفته شده و ضوابط مصوب حداقل نباید مخالف قوانین دینی باشند.

با این قالب‌بندی، موضوع بحث پیچیده‌تر و پرمسأله‌تر می‌شود؛ زیرا در این مکتوب مدعا آن است که پیروان ادیان دیگر در ایران - که دارای حکومت دینی است - با علاقه و انگیزه و اختیار، همراه با سایر ایرانیان، در طول دفاع مقدس، علیه دشمنان خارجی به دفاع مشغول بودند. این پدیده و رخداد چه‌گونه قابل توجیه و تفسیر است؟ پاسخ تفصیلی و عینی‌تر را باید در بحث ریشه‌های هم‌گرایی اهل کتاب با سایر ایرانیان در دفاع مقدس جست.

اما نکته‌ی قابل ذکر آن است که، همه‌ی الگوهای حکومت‌های سکولار را در یک قالب نمی‌توان ارزیابی و تفسیر کرد و همه‌ی حکومت‌های دینی نیز در یک چارچوب قابل بررسی نیستند. به‌عنوان مثال، کشورهای انگلستان و فرانسه در الگوی حکومتی سکولار قرار می‌گیرند؛ اما شیوه‌ی مواجهه‌ی آن‌ها با پیروان ادیان و مذاهب دیگر با هم هم‌سان نیست.

در انگلستان نسبت به فرانسه، با اقلیت‌های دینی با سعه‌ی صدر بیش‌تری نسبت به فرانسه، که به اصطلاح مهد آزادی و بانی انقلاب کبیر ۱۷۸۹ م است، دیده می‌شود. در انگلستان در دهه‌ی ۸۰-۱۹۷۰ م مباحث فراوانی در عرصه‌ی سیاست و تعلیم و تربیت چندفرهنگی به‌وجود آمد و دیدگاه غالب، از هم‌گرایی تفسیری ارایه داد که کم‌کم مورد قبول مسؤلان سیاسی نیز واقع شد. چنان‌چه به رسمیت شناخته‌شدن تنوعات در دهه‌ی



۸۰ قوت بیش‌تری گرفت و حتی «داگلاس هرد»، نخست‌وزیر، بر عدم ضرورت ترک سنن و دین و خصوصیات فرهنگی مهاجرین تأکید کرد و کمیسیون‌هایی که موضوع را بررسی می‌کردند، به این‌جا رسیدند که:

۱- در خصوص دین، بر حرمت و احترام برابر و ارایه‌ی تصویر مثبت از همه و در کنار آن، اعطای امتیازات چندفرهنگی بر اقلیت‌های قومی نظر دادند.

۲- توصیه آن بود که در مدارس تضمین شود که هرگز موقعیتی پیش نخواهد آمد که از شاگردان خواسته شود بر شیوه‌ای مغایر عقاید مذهبی‌شان عمل کنند.

از این‌رو سکولاریزم انگلستان انتزاعی نیست؛ بلکه به مصلحت و مصالح موجود گره خورده است و از جمله محصولات این واقع‌گرایی آن است که برای مسلمانان از سوی علمای صاحب صلاحیت شکل حجاب تعیین شده و الگوی دوخته شده‌ای ارایه گردید که زنان مسلمان رسماً باید در آن قالب، پوشش را رعایت کنند و نه بیش‌تر (۴) (گریلو، ۱۹۹۸).

با توجه به آنچه گذشت؛ می‌توان نتیجه گرفت که صرف سکولاریز کردن یک حکومت نمی‌تواند نشانه‌ی وجود آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و دینی برای شهروندان آن حکومت باشد و در ذیل سکولاریزم می‌توان به الگوهای مختلف مضیق یا موسع‌تر حکومت‌ها رسید. همین نکته در رابطه با حکومت‌های دینی نیز قابل تعمیم است. نمی‌توان گفت که در همه‌ی حکومت‌های دینی، حقوق اقلیت‌ها نادیده گرفته شده و تنها به حقوق و مطالبات و ارزش‌های دین رسمی و مسلط احترام گذارده می‌شود.

حاصل آن‌که، گرچه در این نوشتار، نقش اقلیت‌های دینی در دفاع مقدس در ایران اسلامی و کشوری که غیرسکولار است، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ اما خواهیم دید که اهل کتاب نیز در ذیل حکومت اسلامی، چه‌گونه با اراده و اختیار، در حادث‌ترین و سنگین‌ترین حوادث و مسایل جامعه، یعنی جنگ، که نیاز به فداکاری و ایثارگری و... دارد، حضور مؤثر و سازنده داشته‌اند و جمع بین حکومت دینی و هم‌گرایی و تنوع باورها و وفاق ملی چه‌گونه و چرا میسر است و این مفروض مشهور که در حکومت‌های دینی، اقلیت‌های دینی مهجورند، تفسیرگر حوادث جاری در ایران بعد از انقلاب اسلامی نمی‌باشد و از این‌رو شایسته است که مدل تعاملی حکومت‌ها در مدیریت بر اقلیت‌ها به دو سطح «مردم‌سالار» و «غیرمردم‌سالار» فروکاسته شود. حکومت‌های مردم‌سالار در تدبیر اقلیت‌های دینی تجربه‌ی موفق و قابل دفاعی دارند؛

اما گروه دوم ندارند و رمز توفیقات جمهوری اسلامی ایران آن است که از شکل‌های حکومت‌های مردم‌سالار است؛ مدلی که از آن به «مردم‌سالاری دینی» یاد می‌شود.

دلایل حضور اقلیت‌های دینی در جریان دفاع مقدس

در بررسی ریشه‌های مشارکت و هم‌گرایی اقلیت‌های دینی کلیمی، آشوری، ارمنی و زرتشتی در دفاع مقدس، از جمله می‌توان به دو دلیل عمده‌ی زیر استشهاد نمود:

۱) علاقه به ایران

از جمله دلایل حساسیت‌های اقلیت‌های دینی نسبت به تهاجم عراق به ایران، علقه و وابستگی آن‌ها به سرزمین‌شان «ایران» است. به عبارت دیگر، در سال ۱۳۵۹ که کشور ایران مورد تجاوز قرار گرفته بود، از جمله ادعاهای عراق، حداقل تجزیه‌ی بخشی از ایران، حاکمیت مطلق بر اروندرود، اشغال جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک و نیز ادعای خودداری ایران از تحویل اراضی عراق بود. مدلل کردن این مدعا خود مقاله‌ی مستقلی می‌طلبد؛ ولی در حد اشاره می‌توان به کلام «طارق عزیز»، معاون وقت نخست‌وزیر عراق در آغاز جنگ ارجاع داد که می‌گفت:

«وجود پنج ایران کوچک، بهتر از ایران واحد است... و ما از شورش ملیت‌های ایرانی پشتیبانی کرده، سعی خود را متوجه تجزیه‌ی ایران خواهیم نمود» (سلامی، ۱۳۷۶: ۶۵).

در این راستا روزنامه‌ی کویته «القبس»، به نقل از مقامات عراقی در فروردین ۱۳۶۰ اعلام کرد:

«عراق قصد حمله‌ی گسترده‌ای به خوزستان [ایران] را دارد و هدف از آن آزادکردن این استان، اشغال چاه‌های نفت، اعلام استقلال آن و تشکیل حکومت موقت می‌باشد» (ص ۶۶).

صدام نیز در جلسه‌ی فوق‌العاده‌ی مجلس ملی عراق، در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ گفت: «این رودخانه (اروندرو) جزو تمامیت عربی عراق است؛ همان‌طور که در سراسر تاریخ در نام و در واقعیت چنین بوده است» (ص ۶۲).

و هم او در تیر ۱۳۵۹ تأکید کرد:

اینک ما توانایی نظامی را برای بازپس گرفتن سه جزیره‌ی واقع در خلیج [فارس] که توسط شاه ایران اشغال شده است، داریم. ما هرگز از



زمان اشغال این سه جزیره ساکت ننشسته‌ایم و پیوسته از نظر نظامی و اقتصادی برای پس گرفتن آن، خود را آماده کرده‌ایم (ص ۶۳).

در جریان هجوم عراق به ایران، این کشور با دولتی متجاوز مواجه بود که تمامیت ارضی آن را هدف قرار داده بود. این‌جا بود که هر ایرانی که سودای این وطن را در سر داشت، جدای از سلاقی و علایق سیاسی و دینی، نمی‌توانست نسبت به تعدی و تجاوز عراق بی‌تفاوت باشد. سرنوشت پیروان ادیان آسمانی نیز چنان‌چه اشاره شد، با سرنوشت این مرز و بوم گره خورده است و عکس‌العمل آن‌ها در دفاع از ایران طبیعی بوده و خارج از انتظار نبود؛ خصوصاً این‌که در برخی از نشریات، مثلاً درباره‌ی باورهای زرتشتیان، از زبان خودشان می‌خوانیم:

من به ایران عشق می‌ورزم، به خاطر تقدسش، تاریخش، مردان بزرگش، فرهنگ کهن‌سالش». «برای من همین کافی است که در ایران متولد شده‌ام و روزی که بمیرم، ذره‌ای از خاک آن خواهم شد». «چشم تماشاگران بر نمایی از پرچم سه رنگ ایران خیره ماند و خون‌مان با غرور ایرانی بودن و زرتشتی بودن عجین گشت (گودرزی، ۱۳۸۳: ۱۱۷).

می‌دانیم که اهل کتاب در ایران، فرهنگ ایرانی را فقط در مسایل ایران باستان و مظاهر و نمادهای قبل از اسلام خلاصه نکرده، بلکه در کنار مردم ایران، با تلخی‌ها و شیرینی‌ها و علایق و باورهای حتی دینی آن‌ها نیز زندگی کرده و مأنوس شده‌اند، تاحدی که امروزه در مراسمی که نماد کاملاً شیعی دارد، حضور اهل کتاب نیز دیده می‌شود (۶). «حجتی کرمانی» نقل می‌کند که:

من خودم پدرم زرتشتی‌زاده بوده که در کودکی مسلمان شده است. قوم و خویش‌های ما اکنون زرتشتی هستند. اما در عین حال مسأله‌ی اسلام و امام حسین (ع) در بین ملت ایران قوی است که آقای باستانی پاریزی در کتاب‌شان نوشتند که از خداداد زرتشتی (عموی ما) پرسیدند: تو که زرتشتی هستی، چه‌طور برای حضرت عباس نذر می‌کنی؟ او گفته بود: شما مسلمانان که عقیده به حضرت عباس ندارید، می‌خواهید ما زرتشتی‌ها [هم] عقیده نداشته باشیم؟ (حجتی کرمانی، ۱۳۷۷: ۴۶۶).

با این توجیه، حضور و مشارکت اهل کتاب در دفاع مقدس، که کیان کشور ایران را به مخاطره انداخته بود، عجیب نیست. به تعبیر نماینده‌ی زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی، در همان ماه‌های آغازین جنگ:

سرنوشت زرتشتیان ایران دقیقاً به سرنوشت همه‌ی مردم ایران بستگی دارد و علاقه‌ها و آرمان‌های آن‌ها از علاقه‌ها و آرمان‌های دیگر هم‌وطنان‌شان جدا نیست... در این جنگ، متجاوز بودن عراق و ناحق بودن ادعاهای او چنان روشن است که نیازی به طرح مجدد آن نمی‌بینم. خوب تکلیف ما و همه‌ی انسانیت مترقی در برابر چنین بی‌عدالتی‌هایی روشن است. این جنگ به ملت انقلابی ما تحمیل شده است و ما چاره‌ای جز مقابله با آن و بیرون راندن سربازان خارجی از کشور خود نداریم و چنین هم کرده‌ایم. زرتشتیان ایران هم... هم‌چون همه‌ی مردم ایران، با همه‌ی توان خود چه در جبهه‌های جنگ و چه در پشت جبهه برای پیروزی که در واقع پیروزی انقلاب ما است، بوده‌اند و حتی نام شهدای زرتشتی را در جبهه‌های جنگ، بارها شنیده‌اید و نیازی به تکرار نمی‌بینم (ملک پور، ۱۳۵۹: ۱۲۹).

از این جهت عجیب نیست که از شهید زرتشتی، خطاب به مادرش بخوانیم که: وقتی خبر شهادت مرا می‌شنوی، سعی کن با سنگینی یاد همه‌ی شهدای غمت را سبک بکنی! مردم باید تو را سربلندتر از همیشه ببینند؛ اما وقتی تنها شدی، می‌توانی به خاطر من اشک بریزی. چون اگر گاهی گریه نکنی، فکر می‌کنی که مرا دوست نداری، فقط کاری بکن به خاطر دوست داشتن من، مردم را از یاد نبری. من به خاطر مردم کشته می‌شوم، پدرم هم به خاطر مردم کشته شد (گنجی، ۱۳۶۰: ۲۴۲ و ۲۴۳).

همین نگرش در وصیتنامه‌ی جان باختگان مسیحی نیز دیده می‌شود: هم‌وطنان عزیز، من هم در راه استقلال وطن جان باختیم. دوستان در شهادتم ناراحتی نکنید. زیرا از بدو انقلاب، جانبازی در راه وطن و حفظ این آب و خاک، هدف نهایی من بود. در لباس سربازی به این افتخار رسیدم، تا در زمره‌ی وطن‌دوستان نامم ثبت شود. از تمام ایرانیان غیور و ارامنه‌ی خداپرست و میهن‌پرست انتظار دارم در راه استقلال و آزادی کشور، راهم را ادامه دهند (داویدیان، ۱۳۶۳: ۸).

عکس‌العمل برادر یک شهید یهودی (اسحق تیزابی) را نیز می‌بینیم که در فراق برادر ۲۲ ساله‌ی خود می‌گوید:

«خون اسحق هم‌چون خون سایر شهدای یهودی، پیوندهایی ناگسستنی میان کلیمیان و سایر هم‌وطنان ایرانی به‌وجود خواهد آورد» (تاجیان، ۱۳۷۸: ۴۷).



حاصل آن‌که، از دلایل حضور و مشارکت و بلکه ایثارگری و فداکاری پیروان اهل کتاب در جریان دفاع مقدس آن است که:

۱- اینان ایرانی هستند و با فرهنگ و هویت ایرانی و سرنوشت دیگر ایرانیان، پیوندی ناگسستنی دارند. در این جنگ که سرزمین ما ایران، به ناحق مورد هجوم حاکمان عراق قرار گرفته بود، واکنش طبیعی و دفاعی همه‌ی علاقه‌مندان به ایران و از جمله آحاد جوامع مسیحی، کلیمی و زرتشتی را در پی داشت. اگر صدام حسین خودش نمی‌توانست بفهمد و قدرت تحلیل درست را نداشت، برخی اعراب دیگر که از او باهوش‌تر و در ورود به مسایل سیاسی نیز از او متقدم‌تر بودند، به درستی گفتند که اقدام عراق، ماشه‌ی احساسات ملی ایرانی‌ها را کشید. چنان‌که «تحسین بشیر»، سفیر سابق مصر در کانادا و سخنگوی «جمال عبدالناصر» و «انور سادات»، طی موضع‌گیری اعلام داشت:

اقدام صدام در لشکرکشی به ایران، بیش‌تر استفاده از یک فرصت بود؛ فرصتی برای آن‌که ایران انقلاب‌زده در استیلاي صدام حسین قرار گیرد؛ در حالی که تسلط بر کشوری چون ایران که ریشه‌های کهن تاریخی دارد، کار آسانی نیست و تنها کاری که صدام کرد، این بود که ماشه‌ی احساسات ملی ایرانی‌ها را کشید و فعال ساخت (۷) (صفری، ۱۳۷۰: ۲۵).

۲- واضح است که پیروان هر دین و مذهب و آیین، مناسک و آداب خاص خود را داشته و از این جهت از یکدیگر بازشناسی می‌شوند؛ اما از جمله آثار دفاع مقدس آن بود که در کنار وجوه افتراق فرهنگی و مرزبندی‌های دینی بین ایرانیان مسلمان و غیرمسلمان، ابعاد همبستگی و وفاق در بین آن‌ها را تقویت نمود و به تعبیر رییس انجمن کلیمیان تهران، در دیدار با رییس جمهور خاتمی:

ایرانیان از هر قوم و قبیله و مذهب و مسلکی، تاریخ مشترک خود را ساخته‌اند. تفاهم و برادری بین ایرانیان تابلو رنگارنگی به وجود آورده است که می‌توان آن را الگویی برای دیگران دانست. در جهان ما که جنگ‌های فراوان و طولانی با انگیزه‌های قومی، نژادی و مذهبی جریان دارد، ملت ایران هشت سال چون پیکری واحد در برابر تجاوزگران ایستادگی کرد و بر آن‌ها پیروز شد و به جهانیان درس وحدت، برادری و مقاومت آموخت (پشایی، ۱۳۷۹: ۴).

۳- براساس نکته‌ی فوق می‌توان گفت، کارکردهای هویتی و انسجام‌بخشی جنگ تحمیلی دوسویه بود، هم جنگ سبب شد تا اهل کتاب نیز مانند سایر ایرانیان در مبادین دفاع مقدس و در پشت جبهه‌ها نقش‌آفرینی کنند و هم این جنگ بود که تأثیر مثبت صمیمیت، همدلی و هم‌گرایی‌ها را در بین همه‌ی ایرانیان تعریف نمود.

به زبان آکادمیک، هم می‌توان جنگ را به‌عنوان «متغیر مستقل» فرض نموده و از تأثیرات آن (از جمله تأثیرات آن بر وفاق ملی) سخن گفت و ادعا را تا این‌جا بالا برد که از دفاع مقدس به‌عنوان ریسمان هویت ملی ما در دهه‌ی ۶۰ و سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب اسلامی نام برد و هم می‌توان دفاع مقدس را به‌عنوان «متغیر وابسته» فرض نمود، که از تأثیرات سایر عوامل به‌عنوان فاکتورهای اثرگذار بر آن بحث نمود. از این زاویه نیز می‌توان اهل کتاب را به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر دفاع مقدس مورد بررسی قرار داد.

گرچه این موضوع از هر دو بعد قابل بررسی است؛ اما در این نوشتار ضمن تأکید بر مفروض دوم (تأثیر اهل کتاب بر دفاع مقدس)، ریشه‌های آن را مورد تأمل قرار داده که از جمله خاستگاه‌های این حضور، صبغه‌های ملی، وطن‌دوستی و دفاع از خاک و سرزمین ایران بوده است.

۲) شیوه‌ی برخورد حکومت جمهوری اسلامی ایران

در این قسمت، مدعا این است که پیروان اهل کتاب در ایران - چنان‌چه اشاره شد - ایرانی‌اند و نسبت به سرنوشت کشور، خاک و وطن‌شان حساس هستند و از این‌رو در دفاع مقدس به‌طور فعالانه حضور یافته‌اند؛ اما شیوه‌ی برخورد حکومت اسلامی و نحوه‌ی مدیریت رهبر نظام و هدایت‌کننده‌ی دفاع مقدس؛ یعنی امام خمینی (ره)، با اهل کتاب می‌توانست به نحوی باشد که باعث دل‌سردی و یأس و بی‌تفاوتی آن‌ها در آن مقطع، نسبت به مسایل کشور شود و حال آن‌که شیوه‌ی موضع‌گیری رهبری نظام و به تبع، سایر ارکان و قوانین به صورتی بود که پیروان اهل کتاب علاقه‌مند شدند که در ذیل نظام اسلامی نیز فعالانه در عرصه‌های دفاع مقدس حضور یابند.

امام خمینی (ره) در مصاحبه‌های اوایل انقلاب، برداشت غلط دشمنان را که متعقد بودند در حکومت اسلامی با اهل کتاب برخورد خشن شده و حقوق‌شان نادیده گرفته می‌شود، اصلاح کردند:



رفتار اسلام با اقلیت‌ها، انسانی و عادلانه است... همه‌ی اقلیت‌ها مطمئن باشند که اسلام با اقلیت‌ها به‌طور انسانی، به‌طور عدالت رفتار کرده است و همه در رفاه هستند و این‌ها هم مثل سایر اقلیت‌ها، جزئی از ملت هستند و ما و آن‌ها با هم در این مملکت زندگی می‌کنیم. ان‌شاءالله رفاه همه حاصل خواهد شد و رمز این پیروزی که وحدت کلمه است، باید حفظ شود. ما در محل خودمان، شما در محل خودتان (امام خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۹۷).

در سال‌های دفاع مقدس نیز این بیان امام خمینی در ایجاد همبستگی و تقویت روحیه‌ی همدلی قابل تأمل است که در تاریخ ۱۳۶۱/۸/۲۷، در جمع گروهی از هم‌وطنان ارمنی، کلیمی، آشوری، زرتشتی و... اعلام داشتند که:

ما همه در تحت پرچم توحید هستیم. تا با هم مجتمع نباشیم، نمی‌توانیم در مقابل کفر مقاومت کنیم... ما همه در تحت لوای توحید مجتمع هستیم. ایران مال همه است و توحید مذهب همه است و مبدأ و معاد ایده‌ی همه است و ما این مشترکات را داریم و ملت واحده هستیم و لازم است که در مسایل ایران، همه در صحنه باشیم و همه با هم یداوحده باشیم که دیگرانی که می‌خواهند به همه‌ی ما تعدی کنند، چه با اسم اسلام و چه با اسم سایر مذاهب... با هم تشریک مساعی کنیم در این‌که یک راه پیدا کنیم برای جلوگیری از ستم در تمام قشرهای انسان‌های دنیا. انبیای عظام از آدم تا خاتم که تشریف آورده‌اند... همه‌ی آن‌ها برای این‌که پرچم توحید را و عدالت را در بین ملت‌ها برپا کنند (ص ۷۷).

متعاقب این سخنرانی، آقای «سارگن بیت اوشانا» از جانب اقلیت‌های دینی گفت: امروز به برکت انقلاب و رهنمودهای خردمندانه‌ی امام امت و عملکرد صحیح مسؤولان طراز اول جمهوری اسلامی ایران، اقلیت‌های رسمی دینی، از حریت و اخوت در این سرزمین برخوردار بوده و حقوق انسانی و اساسی آن‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین شده و مسایل عمده در زندگی اجتماعی خود ندارند (اوشانا، ۱۳۶۱: ۵۲۷).

این موضع‌گیری امام خمینی (ره) (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۸: ۱۲۲ و ۱۲۳) در رابطه با اهل کتاب، این پیام مهم را در خود دارد که، هم‌گرایی و وفاق بین پیروان ادیان در ایران، علاوه بر صبغه‌های ملی (۸)، ریشه‌های عمیق دینی نیز دارد. این مدعا را که «تعامل پیروان ادیان غیراسلامی با مسلمانان در ایران، به قابلیت‌های نصوص دینی و

سیره‌ی معصومین اسلامی بازمی‌گردد که زمینه‌های همبستگی بین ادیان را فراهم کرده‌اند. در مقاله‌ی دیگری باید بسط داد؛ ولی اجمالاً اشاره می‌شود که، دعوت امام خمینی (ره) از اهل کتاب برای مشارکت در امور مربوط به حکومت اسلامی و از جمله دفاع مقدس، صرفاً بار سیاسی نداشته و از روی اضطرار و ضرورت نبوده است، بلکه علاوه بر ابعاد سیاسی، خاستگاه قرآنی دارد.

اجمالاً مجموعه‌ی آیات قرآن درباره‌ی اهل کتاب، در سه گروه قابل دسته‌بندی می‌باشند: ۱- آیاتی که در آن‌ها اهل کتاب مورد سرزنش قرار گرفته‌اند (آل عمران: ۷۰)؛

۲- آیاتی که برای تصحیح بینش مسلمانان بوده و به آن‌ها گوشزد می‌کرد که شما اهل کتاب را به یک چشم ننگرید (آل عمران: ۱۱۳)؛

۳- آیاتی که صریحاً بر زمینه‌های مشترک بین ادیان تأکید دارند (منصورنژاد، ۱۳۸۱: ۸۵-۸۷). مثلاً در سوره‌ی آل عمران: ۶۴ می‌خوانیم:

(ای پیامبر) بگو ای اهل کتاب! بیایید از آن کلمه‌ی حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم که به جز خدای یکتا، هیچ کس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم.

با این نگاه، باید برخورد غلط مدعیان ادیان آسمانی و سوءاستفاده‌های سیاسی از پیام‌های دینی را از پیام اصلی آن ادیان جدا کرد و بر همین مبنا بود که امام خمینی (ره) گرچه هیچ نوع سازش با اسرائیل که نماد صهیونیسم جهانی است، را نمی‌پذیرفتند، از یهودیان ایران دعوت به همکاری نموده و صراحتاً اعلام داشتند:

«حساب جامعه‌ی یهود از صهیونیست‌ها جدا است» (امام خمینی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۶۴) و معتقد بودند که همه‌ی ادیان آمده‌اند که انسان را با همه‌ی ابعادش تربیت کنند و «در این جهت مابین ادیان فرقی نیست» (ص ۱۶۴).

نکته‌ی اشاره شده، به ریشه‌های عمیق هم‌گرایی بین پیروان اهل کتاب و مسلمانان در حکومت جمهوری اسلامی ایران اشاره دارد که این خاستگاه به زمان و مکان خاصی (مثلاً مقطع دفاع مقدس و در غرب کشور) خلاصه نشده و این تعامل مثبت می‌تواند همواره وجود داشته و تقویت شود. حقوق مقرر برای اهل کتاب را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز می‌توان به مزایای شمرده شده افزود، که مطالبات اقلیت‌های دینی را تضمین می‌کند.

فراتر از این قوانین، اگر در زمان دفاع مقدس گلابه‌هایی از سوی برخی، مثلاً زرتشتیان، از دست‌اندرکاران حکومت اسلامی داشتیم.



در مقابل، پیام هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) را در همان سال (۱۳۶۱/۹/۲۴) داریم که به جد بر حقوق شهروندی ایرانیان تأکید دارد و در ۱۳۶۱/۱۰/۲، در سخنانی مجدداً مضامین فرمان هشت ماده‌ای را مورد تأکید قرار دادند که به تبع آن، نخست وزیر وقت نیز پس از جلسه‌ی هیأت دولت اعلام کرد که، اخراج افراد توسط گزینش‌ها غیرقانونی است و این عده بایستی برگردند و کارمندان فقط از طریق هیأت‌های پاک‌سازی نیروی انسانی می‌توانند اخراج شوند. و در ۱۳۶۱/۱۰/۱۵، امام خمینی (ره) طی فرمانی، همه‌ی هیأت‌های گزینش را در سراسر کشور منحل اعلام کردند و در همین رابطه، ستاد پی‌گیری تصمیمات امام اعلام کرد که احکام دانشجویان تعلیقی و احکام هیأت‌های بازسازی، مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد (امام خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ۱۰۰-۱۰۵؛ یوسفی، ۱۳۷۸: ۳۴-۳۹).

این پیام مهم و بازخوردهای آن مورد استقبال زرتشتیان قرار گرفت:

فرمان امام در روزهایی صادر شد که مردم کشور ما جشن‌های انقلاب ۲۲ بهمن را تدارک می‌بینند. انقلاب ۲۲ بهمن، انقلابی سرنوشت‌ساز و دگرگون‌کننده بود... تنها اگر از رزمندگانی که در جبهه‌های جنگ علیه دشمن تجاوزکار می‌جنگند آماری تهیه شود، بدون شک معلوم می‌شود که در میان آن‌ها نمایندگان همه‌ی اندیشه‌های سالم وجود دارند. سیاهه‌ی دراز شهیدان اقلیت‌های دینی و نمایندگان اندیشه‌های گوناگون گواه روشنی بر این مدعا است که انقلاب ۲۲ بهمن به همه‌ی مردم ایران تعلق دارد و همه‌ی مردم با جان و دل از دست‌آوردهای آن دفاع می‌کنند. فرمان هشت ماده‌ای یک بار دیگر ثابت کرد که مردم ایران و همه‌ی آن‌ها که به خیر و صلاح این مرز و بوم می‌اندیشند، می‌توانند نسبت به آینده‌ی انقلاب و نسبت به سرنوشت مردم محروم این مملکت امیدوار باشند (ملک‌پور، ۱۳۶۱: ۶۴۳ و ۶۴۴).

با این نگاه دینی - اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی ایران و رهبری آن، سخنان امثال مادر شهید «فرهاد خادم» بهتر قابل درک می‌شود. او به‌عنوان نماینده‌ی خانواده‌ی شهدای زرتشتی در مراسم هفتگی دفاع شهدای زرتشتی گفت:

خانه‌ای در آبادان ویران می‌شود و پدر و مادری بچه‌هایش زیر آوار می‌مانند. پدر خود را به ارتش معرفی می‌کند و به جبهه می‌رود. دکتر فارغ‌التحصیلی از کشورهای خارج به مجرد این‌که به ایران می‌آید، خود را

به جبهه معرفی می‌نماید (مجله‌ی اشتار، ۱۳۶۱: ۱). شاید این مسایل خیلی عادی باشد. چون زمان، زمان ایثار است. بله در حال حاضر خدمت اگر خیلی کوچک هم باشد، ارزش والایی دارد. در این دوره میهن احتیاج به حفظ‌شدن دارد. باید میهن را حفظ نمود و خاک سرزمین را از دست نداد، به هر قیمتی که هست (مجله‌ی چیستا، ۱۳۶۱: ۲۶۱-۲۶۳).

و از همین شهید، یعنی مهندس «فرهاد خادم» می‌خوانیم که: «حالا که دارم به جبهه بازمی‌گردم، امیدوارم که شایسته‌ی هم‌رزمی کسانی باشم که برای بازکردن راه تانک‌ها داوطلبانه پای در میدان مین می‌گذارند. به نظر من باید بشریت به این انسان‌ها تعظیم کند» (۱۰).

تعامل اهل کتاب با سایر ایرانیان و با ارگان‌های دولتی در دفاع مقدس، از زبان پیشوای مذهبی ارامنه‌ی جلفای اصفهان و جنوب ایران، به نحو زیر بیان شده است:

از بدو حمله‌ی تاجوانمردانه‌ی رژیم بعثی عراق به خاک ایران، بلافاصله ارامنه همدوش برادران مسلمان خود، دست به تشکیل ستاد بسیج ارامنه زدند و عملاً وارد صحنه شدند. این ستاد به یاری برادران و خواهران خود شتافتند و با این‌که کلیسای ارامنه‌ی اهواز هدف گلوله‌های دوربرد مزدوران عراقی قرار داشت و آن را ویران کرد؛ ولی سنگر خود را رها نکردند و به فعالیت خود ادامه دادند... هم‌زمان با این فعالیت‌ها، ارامنه پشت جبهه با کمک مادی و معنوی، پشتیبانی خود را از برادران ارامنه‌ی خط اول اعلام کرده و آنان را یاری کردند. در جلفای اصفهان توسط خلیفه‌گری جهت اسکان و کمک به جنگ‌زدگان که از جنوب به اصفهان وارد شده بودند، شعبه‌ی ستاد کمک به جنگ‌زدگان تشکیل شد و این ستاد با کمک ستاد امداد امام توانست کمک‌های جنسی و مالی از بودجه‌ی شورای خلیفه‌گری و با همکاری ارامنه در اختیارشان قرار دهد (اطلاعات، ۱۳۶۲/۱۲/۲: ۷).

جالب آن است که در گزارشی می‌خوانیم، بر دیوار کلیسا نوشته‌ی سرخ رنگی به امضای شهید «منصور باغی» نظرمان را جلب کرد. وقتی جويا شدیم، با کمال افتخار و سرافرازی فهمیدیم که یکی از برادران بسیجی مسلمان در حین پاسداری از کلیسای ارامنه‌ی آبادان، به درجه‌ی رفیع شهادت نایل آمده و با آمیختن خون خود با خون شهید «بایگس خاچاطوریان، اولین شهید ارمنی آبادان، عضو همان کلیسا، وحدت و برادری برادران مسلمان و ارامنه را ناگسستنی گردانیده است (ص ۷) و نهایتاً تعامل اهل کتاب



ایران با نظام اسلامی را در این جمله‌ی نماینده‌ی زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی، آقای دبستانی می‌توان دید که:

«در جنگ تحمیل‌شده علیه ایران، پیروان ادیان توحیدی با دادن شهید، جانباز و آزاده، دین خود را به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ادا کردند» (مجله‌ی چیستا، ۱۳۸۱: ۴۱۶).

حاصل این قسمت از بحث آن است که:

۱- بین شیوه‌ی برخورد حکومت‌ها با اقلیت‌ها و واکنش آن‌ها ارتباط وجود دارد و برخورد مثبت، سازنده و انسانی حکومت‌ها با شهروندان، بر مشارکت فعالانه و جدی آن‌ها در ذیل نظام سیاسی تأثیر دارد.

۲- نگرش امام خمینی (ره) به ایرانیان غیرمسلمان، بر مبنای وفاق و مبتنی بر یکدست شدن همه‌ی آحاد جامعه در ذیل نظام سیاسی نبود؛ بلکه با پذیرش حقوق سیاسی و دینی متفاوت آنان، از آن‌ها می‌خواست که در ذیل اصول الهی، انسانی و ملی با هم متفق باشند و علیه دشمن مشترک وحدت داشته و همبستگی را تقویت نمایند.

۳- عکس‌العمل پیروان اهل کتاب در مقابل شیوه‌ی تقنین و مدیریت نظام اسلامی، بر طبق اظهارات خود آنان، حکایت از نوعی رضایت‌مندی دارد و مطالبات آن‌ها نیز همواره مدنظر مسؤولان نظام و از جمله امام خمینی (ره) بوده است.

۴- تأمین حقوق اقلیت‌های دینی در نگاه امام خمینی (ره)، ریشه‌های دینی و اسلامی دارد که بسیار عمیق بوده و حکایت از نوعی قرائت مردم‌سالارانه و عقلانی از اسلام دارد (۱۱).

۵- بر این اساس است که مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان نیز مانند سایر ایرانیان، در جبهه و پشت جبهه حضور داشته و شهید، جانباز و آزاده و... تقدیم این مرز و بوم و مملکت نموده‌اند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این نوشتار، تعامل و وفاق بین پیروان اهل کتاب در ایران با سایر ایرانیان در مسأله‌ی دفاع مقدس، ریشه‌یابی شد. از جمله نتایج مهم این بحث عبارتند از:

۱- گرچه در یک نگاه می‌توان حکومت‌ها را به دودسته‌ی «سکولار» و «غیرسکولار» تقسیم نموده و از نتایج و آثار آن‌ها سخن به میان آورد؛ اما دیدیم که الگوی حکومتی نمی‌تواند به‌عنوان مبنایی معنادار، برای تبیین مشارکت و رضایت اقلیت‌های دینی و

برای بیان رابطه‌ی آن‌ها با مدیران یک نظام سیاسی، به کار گرفته شود؛ زیرا می‌توان در حکومت‌های سکولار یا غیرسکولار، وفاق و مشارکت و هم‌گرایی و رضایت اقلیت‌های دینی را داشت یا نداشت؛ چون حکومت‌های سکولار از یک روش پیروی نمی‌کنند، چنان‌که حکومت‌های غیرسکولار و از جمله حکومت‌های دینی نیز این‌چنین‌اند.

از این رو بهتر است که حکومت‌ها را براساس «مردم‌سالار بودن» یا نبودن مقوله‌بندی نموده و از رابطه‌ای آن‌ها با نهادها، طبقات و اقلیت‌های موجود در آن‌ها سخن به میان آورد.

بر این اساس، در حکومت‌های مردم‌سالار می‌توان از وفاق ملی و هم‌گرایی معقول، مشارکت سیاسی و اجتماعی فعال از جمله اقلیت‌های دینی سخن به میان آورد و این نوع حکومت‌ها می‌توانند دینی یا غیردینی باشند و در حکومت‌های غیرمردم‌سالار (نظام‌های توتالیتری و دیکتاتوری و...)، اعم از دینی یا غیردینی، از سخت‌گیری بر مردم و اقلیت‌ها می‌توان شواهد جدی دید.

حکومت جمهوری اسلامی ایران از نوع حکومت‌های مردم‌سالار است و تفاوت این مدل با مدل‌های دیگر آن است که درصد تحقق مردم‌سالاری با ارزش‌های دینی است.

البته می‌دانیم که به تعبیر «دیوید هلد»، مردم‌سالاری و دموکراسی مدل‌های مختلفی از مدل‌های کلاسیک (آتن باستان، دموکراسی لیبرال - حمایتی، تکاملی، رادیکال - تکاملی، دموکراسی مستقیم مارکسیستی) تا مدل‌های معاصر (رقابتی نخبه‌گرا، تکررگرا، قانون‌گرا و دموکراسی مشارکتی) دارد (هلد، ۱۳۶۹: ۱۸).

از این رو می‌توان مدل «دموکراسی دینی» را نیز به مدل‌های یادشده افزود، که در ایران از آن به «مردم‌سالاری دینی» تعبیر شده و در قالب جمهوری اسلامی تجلی یافته است؛ حکومتی که در تعیین و شیوه‌ی اجرا و گزینش از صدر تا ذیل نظام، به نحوی آرای مردم به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مؤثر است. بسط این مدعا رسالت مقاله‌ی حاضر نمی‌باشد (۱۲).

۲- این مقاله، در بررسی ریشه‌های هم‌گرایی پیروان اهل کتاب با سایر ایرانیان در جریان دفاع مقدس، بر دو عامل کلیدی و کلان تأکید کرده است: الف) وطن دوستی و عامل ایرانیت از سوی پیروان اهل کتاب؛ ب) شیوه‌ی حکومت و نحوه‌ی تعامل امام خمینی (ره) با پیروان اهل کتاب، که زمینه‌ی وفاق معقول ملی را فراهم می‌کرد.



در عامل نخست، «هویت ملی» اهل کتاب با دفاع مقدس رابطه‌ای دوسویه داشت. از سویی اهل کتاب متأثر از هویت ملی و خودی و ایرانی، در دفاع مقدس مشارکت جستند و به جهت دغدغهی آسیب به کشورشان و ممانعت از تجزیه‌ی ایران و تحقیر هویت ملی، در حد توان خود در عرصه‌ها حاضر شدند و از سوی دیگر، دفاع مقدس ریسمان هویت ملی ایرانیان شد و همه‌ی هم‌وطنان ما را، فراتر از گرایش‌های دینی و غیردینی، به هم مرتبط نموده است.

دومین عامل حداقل از دو زاویه قابل تأمل است. از یک سو به دلیل آن‌که حکومت جمهوری اسلامی ایران اهل کتاب را به‌عنوان شهروند، مانند سایر ایرانیان پذیرفت و در قانون اساسی و عادی برای مشارکت آن‌ها سهم قایل شده و آزادی‌های آنان را پاس داشت و از سوی دیگر می‌توان تأثیر حکومت اسلامی بر هم‌گرایی اهل کتاب، از جمله در دفاع مقدس را فراتر از هویت سیاسی شهروندان و عمیق‌تر از آن نیز دید و آن در صورتی است که بر مبنای هویت دینی، به ارزیابی تعامل اهل کتاب با مسلمانان بنشینیم. گفته شد که از نگاه دینی و اسلامی و البته بر مبنای قرائتی که امام خمینی (ره) از اسلام شیعی داشت، در همه‌ی ادیان توحیدی می‌توان اصول مهمی را یافت که می‌تواند به‌عنوان ریسمان وحدت و هم‌گرایی در مواجهه با دیگران باشد و از هویت مشترک آنان سخن گفت.

از جمله‌ی این اصول؛ «اعتقاد به خداوند، قیامت، ارسال رسل و انزال کتب» و «باور به اعاده‌ی حکومت عدل و حق» و «قابلیت ادیان برای انسان‌سازی» است. پیروان اهل کتاب بر روی این مبانی نیز می‌توانستند در مقابل اغیار، با برادران مسلمان‌شان در جبهه و پشت جبهه همکاری داشته و در مقابل دشمنان مشترک بایستند.

در این گفتمان، حتی می‌توان جبهه‌های متشکل نبرد را از سطح ایران نیز ارتقا بخشید و از دفاع و همبستگی پیروان همه‌ی ادیان در دفاع از اهل حق یا مستضعفین و مظلومان در مقابل مستکبران و ستمگران، سخن به میان آورد و از این‌رو بود که امام خمینی با پیروان اهل کتاب این سخن را در میان می‌گذاشت که:

«با هم تشریک مساعی کنیم در این‌که یک راه پیدا کنیم برای جلوگیری از ستم در تمام قشرهای انسان‌های دنیا. انبیای عظام (س) از آدم تا خاتم که تشریف آورده‌اند... همه‌ی آن‌ها برای این‌که پرچم توحید و عدالت را در بین ملت‌ها برپا کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ۷۷).

۳) حداقل مبنا و ریشه‌ی هم‌گرایی بین هم‌وطنان مسیحی، زرتشتی و یهودی با ایرانیان، «وفاق ملی» بود. در جریان دفاع مقدس، دو نکته مسلم و واضح بود: الف) مظلوم واقع شدن ملت و مورد هجوم قرار گرفتن ایران و ادعای تجزیه‌ی ارضی و تضعیف هویت سیاسی و ملی ایرانیان از سوی رژیم بعثی؛ ب) دغدغه‌ها و علقه‌های دیرینه‌ی آرامنه، زرتشتیان و کلیمیان ایرانی به وطن‌شان. این دو عامل بدین نحو با هم مرتبط بودند که، هر قدر خطر عراق برای ایران جدی‌تر بود، عکس‌العمل اهل کتاب، مانند سایر ایرانیان، در مقابل این هجوم جدی‌تر و زمینه برای ایجاد وفاق با سایر اقشار بیش‌تر فراهم می‌شد؛ حال آن‌که ما در شرایط صلح نیز از زبان پیروان اهل کتاب، سخن از همبستگی و وفاق می‌شنویم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت‌ها:

۱- برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک:

- اگر ریشه‌های دین زرتشت را در ایران می‌توان جست، قطعاً یهودیت و مسیحیت، ادیانی غیرایرانی‌اند. گفته شده است که یهودیان حدود ۲۷ قرن پیش به خطه‌ی ایران وارد شده‌اند. پس از برخورد ملاطفت‌آمیز کوروش در فتح بابل، آنان ایران را محیطی امن تشخیص داده و مهاجرت کردند و در مناطق شوش، نهاوند، همدان، اصفهان و شیراز پراکنده شدند.
- اکثر مسیحیان ایران را آرامنه و آشوریان تشکیل می‌دهند. ترویج مسیحیت بین آشوریان را در منطقه‌ی بین‌النهرین، به سال ۲۲۵ میلادی می‌دانند. در آن زمان اشکانیان که بر این منطقه تسلط داشتند، نسبت به فرستادگان و مبلغین مسیحی روی مساعد نشان داده و باعث ورود مسیحیت به ایران شدند.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۲): حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، چاپ پنجم، نشر میزان، صص ۵-۱۸۲.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۷۲): خلاصه‌ی ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، چاپ پنجم، انتشارات شرق، صص ۹-۱۰۸.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸): وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۳۱.
- ۲- هم‌گرایی هم‌چنین می‌توان معادل Solidarity (همبستگی) و یا وفاق Consensus در نظر گرفت.
- ۳- این پیش‌فرض برای غربیانی که ترون وسطا را پشت سر گذاشته و علم اسکولاستیکی را تجربه نموده و مخالف صاحبان و منادیان ادیان حتی با فرضیه‌ها و نظریه‌های علمی (چه برسد به باورهای مذهبی و ارزش‌های دینی) را دیده‌اند، ملموس‌تر و قابل فهم‌تر است. در یک گزارش می‌خوانیم که: به این ترتیب مراجع علمی و آموزشی جهانی یکی پس از دیگری محو می‌شوند. در سال ۵۲۹ میلادی، آخرین مدرسه‌ی فلسفه‌ی آتن بسته می‌شود. در سال ۶۰۰ م. کتابخانه‌ی پالاتینی، که به‌وسیله‌ی «اگوستوس» تأسیس شده بود، آتش می‌گیرد. خواندن آثار مکاتب، به خصوص تحصیل ریاضی ممنوع اعلام می‌شود و تمهه‌ی ساختمان‌های عتیقه، متروک و مخروب می‌گردد.
- ۴- نیز تفصیل بحث در پژوهشی در:
 - مؤسسه‌ی مطالعات ملی (۱۳۸۳): بررسی تجربه‌ی بریتانیا در مدیریت مسایل اقلیت‌ها و قومیت‌ها.
 - جالب توجه است که هند، به‌عنوان کشوری که در دهه‌های پیش متأثر از انگلستان بوده و همانند انگلستان بر سکولاریزم تأکید داشته و حتی قالب فدرالیستی را نیز در حکومت اعمال می‌کند، اما در عمل پلیس هند در منازعات بین مسلمانان و هندوها، جلو حمله به اماکن اقلیت‌ها را گرفته و تخریب «مسجد بابری» از جمله‌ی این مصادیق است. در این رابطه ر.ک:
 - جمشیدی بروجردی، محمدتقی (۱۳۷۲): علل ریشه‌ای درگیری‌های مسلمانان و هندوها، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، صص ۴-۲۰۲.
- ۶- یکی از سایت‌های زرتشتیان ایرانیان با آدرس www.ahuramazda.com در سال ۱۳۸۳، به تبع عزاداری‌های ماه محرم ایرانیان شیعی، نه تنها تصاویر عزاداری‌های حسینی را در صفحه‌ی اول خود به‌صورت مبسوط درج نموده؛ بلکه مقاله‌ی مستقلی پیرامون امام حسین (ع)، درج و ارتباط داده است.



- در رابطه با عکس‌العمل یهودیان ایران درباره‌ی مسأله‌ی کربلا ر.ک:
- دقیقیان، شیرین‌دخت (۱۳۷۸): مقاله‌ی گفت‌وگوی شمع‌ها، به مناسبت شام غریبان و عاشورای حسینی، مجله‌ی افق بینا، نشریه‌ی دینی، فرهنگی، خبری، ارگان انجمن کلیمیان تهران، ش ۲، ص ۸.
 - جالب توجه است که ادبای اهل کتاب در رابطه با اهل‌بیت(ع) و خصوصاً امام حسین(ع)، سروده‌های قابل توجهی دارند و در همایش احباب‌گران فرهنگ حسینی، روزنامه‌ی جام جم، ۱۹/۲/۱۳۸۳، ص ۱۶.
 - ۷- در این کتاب، با استناد به منابع بیگانه و خصوصاً غربی (راديو امريکا، بی‌بی‌سی، کلن و...)، اعترافات آنان درباره‌ی کمک‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی به عراق و ماهیت صدام و رژیم بعث عراق و نقض حقوق بشر و محکومیت متجاوز و... در ۲۷۰ صفحه جمع‌آوری شده است.
 - ۸- امام‌خمینی(ره) در پیامی خطاب به اهل قلم متذکر می‌شوند که از سلحشوران دفاع مقدس تجلیل کنند تا، به گوشه‌ای از وظیفه‌ی اسلامی، انسانی، ملی، میهنی هر چند کوچک خود عمل نمایند.
 - ۹- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۱): روی‌کردهای نظری در گفت‌وگوی تمدن‌ها. در این اثر، تحت عنوان سابقه و مبانی تعامل فرهنگی اسلام با ادیان توحیدی، از مبنای گفت‌وگوی ادیان، قرآن و اهل کتاب، موضوعات گفت‌وگوی ادیان توحیدی، سابقه‌ی تعامل اسلام با مسیحیت، یهودیت و زرتشت، به تفصیل سخن رفته است.
 - نگارنده در اثر دیگری، از وحدت مردمی و حضور اقشار مختلف در دفاع مقدس (ازجمله اقوام، مذاهب و اقلیت‌های دینی) و عوامل مؤثر بر آن سخن گفته، که ازجمله‌ی آن عوامل را «دین اسلام» برشمرده است؛ زیرا، در اسلام با مراجعه به قرآن، علاوه بر وحدت مسلمانان، از وحدت پیروان ادیان، بلکه بالاتر از آن، از هم‌گرایی همه‌ی انسان‌ها می‌توان سخن گفت.
 - ۱۰- این جمله و برخی آثار دیگر این شهید عزیز و تعدادی از شهدای اهل کتاب در موزه‌ی شهدا، که از سوی بنیاد شهید در تهران (خ طالقانی) دایر شده است، در معرض دید تماشاگران قرار دارد. در این فضا درباره‌ی آمار شهدای اقلیت‌های مذهبی، در تراکتی آمده است که تاکنون مسیحیان ۸ نفر و زرتشتیان ۹ نفر و کلیمیان ۱۶ نفر شهید داده‌اند. تلاش‌های مکرر نگارنده برای اطلاع از آمار دقیق شهدا از معاونت پژوهش بنیاد شهید بی‌ثمر مانده و با این‌که مجموعه‌ی وصیت‌نامه‌های شهدا در پنج لوح فشرده^۱ تحت عنوان «صحیفه‌ی خون» جمع‌آوری شده است؛ اما مرکز نرم‌افزاری آن معاونت، از اختیار گذاشتن آن‌ها در اختیار محققین استنکاف می‌کند. متأسفانه تنها اثر مکتوب درباره‌ی شهدای اهل کتاب که تاکنون منتشر شده، کتابچه‌ی بسیار کم حجم «جان‌باختگان مسیحی» (انتشارات سروش: ۱۳۶۳) است، که درباره‌ی ۱۶ شهید مسیحی نکات موجزی دارد.
 - ۱۰- البته می‌دانیم که از اسلام برداشت‌های مختلفی وجود دارد. در برخی از نگاه‌ها، نه تنها از حقوق اقلیت‌های دینی؛ بلکه توجه به حقوق شهروندی اقلیت‌های مذهبی (اهل سنت) نیز موجه نیست و جمله‌ی «ایران برای همه‌ی ایرانیان» جرم است. برای آشنایی اجمالی با حداقل سه قرائت «مضیق»، «موسع» و «معتدل» از اسلام، ر.ک:
 - منصورنژاد، محمد (۱۳۷۹): دین و توسعه‌ی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، ج ۱، مؤسسه‌ی نشر علوم نوین، صص ۳۸-۴۶.



- ۱۲- بررسی شیوه‌ی تعامل حاکم و مردم در جمهوری اسلامی ایران، بر مبنای دیدگاه‌های امام خمینی (ره)، مؤسس و معمار این نظام سیاسی را از جمله ببینید در:
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۲): بررسی تطبیقی تعامل مردم و حاکم از دیدگاه امام محمد غزالی و امام خمینی (ره) (رساله‌ی دکتری)، پژوهشکده‌ی امام خمینی و انقلاب اسلامی.

منابع:

- ۱- آقای، سیدداود (۱۳۶۸): سیاست و حکومت در عربستان سعودی، تهران: نشر کتاب سیاسی.
- ۲- افتخاری، اصغر (۱۳۸۲): *وفاق ملی؛ جامعه‌شناسی سیاسی وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران: نشر سازمان عقیدتی نیروی انتظامی.
- ۳- بیرو، آلن (۱۳۶۶): *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- ۴- تاجیان، افشین (۱۳۷۸): «یادمان شهدای کلیمی»، *مجله‌ی افق بینا*، مهر و آبان، شماره‌ی ۵، صص ۴۷-۴۹.
- ۵- جمشیدی بروجردی، محمدتقی (۱۳۷۳): *علل ریشه‌ای درگیری‌های مسلمانان و هندوها*، تهران: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۶- حجتی کرمانی، محمدجواد (۱۳۷۷): «مصاحبه»، *فصلنامه‌ی سیاست خارجی*، تابستان، شماره‌ی ۲، صص ۴۶۵-۴۶۷.
- ۷- خمینی، روح‌ا... (۱۳۷۱): *صحیفه‌ی نور*، جلد ۱۷، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۸- _____ (۱۳۷۱): *صحیفه‌ی نور*، جلد ۱۸، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۹- _____ (۱۳۷۱): *صحیفه‌ی نور*، جلد ۵، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۱۰- _____ (۱۳۷۱): *صحیفه‌ی نور*، جلد ۶، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۱۱- دفتر توافقات‌های بین‌المللی ریاست جمهوری (۱۳۸۱): *قانون اساسی عربستان*، معاونت پژوهش، تدوین و تنفیج قوانین و مقررات کشور.
- ۱۲- دقیقیان، شیرین دخت (۱۳۷۸): «مقاله‌ی گفت‌وگوی شمع‌ها»، *مجله‌ی افق بینا*، اردیبهشت، شماره‌ی ۲، صص ۸ و ۹.
- ۱۳- سلامی، حسن (۱۳۷۶): «علل به‌وجود آورنده‌ی جنگ عراق علیه ایران»، *مجموعه مقالات دفاع مقدس*، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۴- شکور، محمدجواد (۱۳۷۲): *خلاصه‌ی ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات شرق.

- ۱۵- شهریار، پرویز (۱۳۶۱): «از دست دوستان فریاده»، *مجله‌ی چیستا*، دی، شماره‌ی ۱۵، صص ۵۳۱-۵۳۳.
- ۱۶- صداوسیما (۱۳۶۳): *جان‌باختگان مسیحی*، تهران: نشر سروش.
- ۱۷- صفری، محسن (۱۳۷۰): *ما اعتراف می‌کنیم*، تهران: حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۸- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۰): *دیباچه‌ای بر نظریه‌ی انحطاط ایران*، تهران: مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- ۱۹- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹): *فرهنگ علوم سیاسی*، ج ۳، چاپ دوم، تهران: نشر و پخش ویسی.
- ۲۰- فراملکی، محمدحسن (۱۳۷۹): *سکولاریزم در مسیحیت و اسلام*، تهران: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- ۲۱- گنجی، کامران (۱۳۶۰): «مصاحبه»، *مجله‌ی چیستا*، مهر، شماره‌ی ۲، صص ۲۴۲-۲۴۴.
- ۲۲- گودرزی، حسین (۱۳۸۳): «جزوه‌ی تحلیل محتوای مجله‌ی امراده»، *مؤسسه‌ی مطالعات ملی* (منتشر نشده).
- ۲۳- مؤسسه‌ی مطالعات ملی (۱۳۸۳): *بررسی تجزیه‌ی بریتانیا در مدیریت مسأله‌ی اقلیت‌ها و قومیت‌ها* (منتشر نشده).
- ۲۴- معتمد، موریس (۱۳۸۱): «مصاحبه»، *مجله‌ی بینا*، مهر و آبان، شماره‌ی ۱۸، صص ۲۵ و ۲۶.
- ۲۵- ملک‌پور، پرویز (۱۳۵۹): «مصاحبه»، *مجله‌ی چیستا*، مهر، شماره‌ی ۲، صص ۱۲۸-۱۳۰.
- ۲۶- منصورنژاد، محمد (۱۳۷۹): *دین و توسعه‌ی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی*، ج ۱، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین.
- ۲۷- _____ (۱۳۸۱): *روی‌کردهای نظری در گفت‌وگوی تمدن‌ها*، تهران: پژوهشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ۲۸- _____ (۱۳۸۲): *بررسی تطبیقی تعامل مردم و حاکم از دیدگاه امام محمد غزالی و امام خمینی (ره)*، تهران: پژوهشکده‌ی امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- ۲۹- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۲): *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ پنجم، ج ۱، تهران: نشر میزان.
- ۳۰- هلد، دیوید (۱۳۶۹): *مدل‌های دموکراسی*، ترجمه‌ی عباس فجر، تهران: انتشارات روشنفکران.
- ۳۱- هونکه، زیگرید (۱۳۷۳): *فرهنگ اسلام در اروپا*، ترجمه‌ی مرتضی رهبا، چاپ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۳۲- یشایایی، هارون (۱۳۷۹): «مصاحبه»، *مجله‌ی بینا*، تیر و شهریور، شماره‌ی ۱، صص ۴ و ۵.
- ۳۳- یوسفی، سیدحسین (۱۳۷۸): *بیانیه‌ی هشت ماده‌ای*، اندیشه‌ی حکومت - نشریه‌ی کنگره‌ی امام خمینی (ره) و اندیشه‌ی حکومت اسلامی، مرداد، شماره‌ی ۲.



- 34- Ralph Grillo (1998); *Pluralism and the Politics of Difference state, Culture and Ethnicing in Comparative Perspective*, perspective, Oxford: Claredon.
- 35- <http://keabcheh.malakut.org/archives/005564>, html
<http://indiacod.nic.in/coiweb/we/com.htm>.
www.womeniran.org/82/article/10/03.htm.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی